



فرهنگستان

گرمای هوا حریف عشاق ابا عبدالله (ع) نشد اربعین؛ حافظه جمعی ایران انقلابی



سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

«من در راه جاودانسان‌های گام زده‌ام که انتهای آن حکومت مستضعفین بر جهان است.» (سید هادی بندلی سرشک - نوشر - شهادت ۱۳۶۰)
زیگمونت باومن، جامعه‌شناس لهستانی در آخرین آثار خود درباره مدرنیته متاخر قصد داشت نشان دهد جهان فعلی چگونه به لحاظ معنایی متلاشی شده است. این متلاشی شدن به نوعی نشان از فرمی می‌دهد که جهان دیگر به سختی می‌تواند به سمتی مطلوب حرکت کند، مگر آنکه مجدد یوتوپیا یا آرمانشهری بتواند خود را بازسازی کند. باومن معتقد بود جهان نابرابر فعلی که نظمی بازاری به خود گرفته است را باید مجدد بازسازی کرد تا آینده مجدد برای مردم جهان مهم شود و انسان مدرن را از وضعیت فعلی نجات داد. او در آثار خودش جمله‌ای را مدام تکرار می‌کند [اما ساکنان زمین با یکی از دو موقعیت روبه‌رو خواهیم بود یا دوست‌های به هم پیوسته یا گروه‌های مشترک] این تحلیل باومن نشان از آن دارد زیست‌در کوزه‌زمین فعلی دشوارتر از گذشته است و شاید با فروپاشی آرمانشهرهای گوناگون سرنوشته انسان‌ها به سمت دشواری‌های بیشتری حرکت کند. در چنین شرایطی در این جهان نابرابر و به شدت بازاری شده، مراسم اربعین فرمی بسیار عجیب و شکل ناباباری است. نابابار اربعین به نوعی امکان شرایط جدیدی از زیست‌بوده که در سیطره بازاری فعلی عجیب است در اربعین انسان‌ها مشکلات بازار فعلی جهان را نداشتند و به راحتی غذا و محلی برای استراحت وجود دارد و هیچ‌کس هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند و انسان‌های زیادی با علاقه شخصی خود درآمدشان را در اختیار سایر انسان‌ها قرار می‌دهند و از این کار احساس رضایت و خوشبختی می‌کنند. چنین نظمی تقریباً در وضعیت فعلی جهان استثنایی است و شرکت‌کنندگان در این مراسم دارای حافظه جمعی بسیار خاصی می‌شوند که در روایتگری آن تلاش می‌کنند به صورت فردی و جمعی از آن یاد کنند. اما آنچه به نظر می‌رسد در بعد جامعه‌شناختی به آن توجه نشده است. همین ساخت حافظه جمعی است که اربعین تولید می‌کند و بسیاری به آن دقت نکرده‌اند.

مورس هالیواکس، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی جزء معدود افرادی بود که بحث حافظه جمعی را به دقت بررسی کرده است. او معتقد است هر چند حافظه عمل فردی است اما آنچه نادیده انگاشته می‌شود چهارچوب‌های اجتماعی است که حافظه را شکل می‌دهد و به تعبیری حافظه نوعی حاصل برآیند و فرآیند ساختی اجتماعی است. حافظه جمعی که در اربعین شکل می‌گیرد به نوعی دارای هویت جمعی است و چهارچوب اجتماعی که باعث شکل‌گیری این رخداد شده، تحت تاثیر ایران پس‌انقلاب بوده است. افرادی که به مراسم اربعین می‌روند دارای نوعی ذهنیت خاصی هستند که در بحث تاریخ ذهنیت‌ها باید به آن توجه کرد. شرکت‌کنندگان در این مراسم با امام حسینی روبه‌رو هستند که غایت‌رهایی بخش در عالم ادا است و این ذیلی است که باید به این سفر رفت. تاریخ ذهنیت‌ها، بیرون شکل‌گیری چرایی شکست و پیروزی در تاریخ است و پرسشی مطرح می‌کند که انسان‌ها در هر عصری به چه مسأله‌ای می‌اندیشند و تاریخ ذهنیت‌ها را همان تاریخ سیاست هم می‌توان تفسیر کرد یعنی ژانر کربلا در اربعین چه نوع ذهنیتی در این سفر دارند. حافظه جمعی که ژانر کربلا در این سفر مدام تعریف و بازگو می‌کنند برعکس حافظه تاریخ متداول به جای آنکه کربلا نقطه پایان باشد، به نوعی کربلا نقطه شروع است یعنی حافظه جمعی که از این سفر شکل می‌گیرد بیرون از نظم موجود در جهان فعلی است. این مسأله اما به سادگی طرح می‌شود و اهل فکر و شاید اهالی رسانه هم باید به آن به شکل ویژه‌ای توجه کنند. آرتور لاجوی، فیلسوف آلمانی معتقد است هنگامی که درباره تاریخ و شکل‌گیری خودآگاهی بحث می‌کنیم لازم نیست همه تاریخ را نقل کنیم، بلکه کافی است آن بخش از تاریخ که دارای معنابخشی است را مدام بیان کنیم. این بیان قسمت معنابخش تاریخ به نوعی باعث می‌شود بازماندگی که در این رخداد شکل می‌گیرد، دارای بعد اندیشه‌ای و اجتماعی مهمی باشد و به شکلی، خودآگاهی‌ای که در بستر این رخداد رقم زده می‌شود از گذشته متفاوت است. آنچه در اربعین و بازماند آن مشاهده نمی‌شود، توجه نکردن به ظرفیت وسیعی به نام حافظه جمعی است که در اربعین تولید شده و به سادگی از آن عبور می‌شود. این حافظه جمعی به نوعی بیرون از سیطره جهان نابرابری است که باومن به آن اشاره دارد یعنی چون در سطح اجتماعی توانسته است تخیلی که به شکل انتزاعی باور داشته رانندگی کند؛ هر چند در مدت کوتاهی اما به شکلی حافظه جمعی انسان‌های شرکت‌کننده در این سفر را شکل می‌دهد که زندگی بیرون از دایره نظم بازار فعلی ممکن است. ولی در جهت بعد جامعه‌شناختی و ساخت اجتماعی این رخداد در مدت زمانی که در حال شکل‌گیری است، تأملی نشده و به سادگی از این حافظه جمعی عبور می‌شود. در حالی که به جهت خاص و استثنایی بودگی، این واقع، از معدود مواردی است که آن طور که باومن می‌گوید دست‌های به هم پیوسته‌ای برای آرمان و ایده‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و این حافظه جمعی فرصتی است برای کمک کردن به انسان مدرن که بتواند بیرون از وضعیت فعلی هم زندگی کند. همان طور که شهید هادی بندلی سرشک که از شهدای دفاع مقدس بود و به جهت حافظه جمعی که از انقلاب اسلامی داشت و به نوعی دفاع از مستضعفان بود، حضور خود در جنگ راهم به نوعی کمک به این آرمان بزرگ می‌دانست. رخداد اربعین فرصت خوبی است که مشابه این شهید، بسیاری به خودآگاهی برسند و از طریق این خودآگاهی، فرصت بیرون آمدن از نظم فعلی جهان را دارا باشند.

چرا اربعین در پیوند با ممالک تلگرام

اجرای بر خورد فرانسوی‌ها با ممالک تلگرام

ابعاد اقتصادی - امنیتی مهمی دارد



در پسا وفاق چه کنیم؟

مصطفی غازی‌زاده
خبرنگار

شعار پرتشکیان از آغازین لحظات تبلیغات انتخابات و بعد از انتخاب نهایی، تأکید بر وفاق ملی به ویژه در سطح نظام حکمرانی بود. او با آسیب‌شناسی درست از تضاد و بعضاً تناقض‌های دورنی نظام حکمرانی، این وضعیت را مانع اصلی رسیدن به اهداف و مصادیق اصلی توسعه می‌دانست. دعوای سیاسی که منابع دورنی را هدر می‌دهد و ظرفیت‌های پیش‌رو را می‌سوزاند. اما مشکل این هدف‌گذاری پرتشکیان از جایی شروع می‌شود که بپرسیم وفاق حول چه محوری؟ در سطح مسأله‌شناسی، یک فهم دقیق و درست وجود دارد که می‌توان برای نشان دادن عمق آن چه در نظام حکمرانی و چه در رون جامعه، صد‌ها صفحه متن نوشت و شواهد را مرور کرد. اما وقتی به عرصه ایجاب می‌رسیم، ایده چندان واقعی‌ای وجود ندارد. باید فهم کرد وفاق به معنای جزئی از توافق بین کنشگران در یک مجموعه از مسألات است. ایجاد توافق هم نیاز به پایه‌های اولیه مورد تأیید از طرفین دارد. یعنی گروه‌های دخیل باید بر سر یک سری مسأله کلیدی با هم شباهت نظر داشته باشند و بعد بر اساس گفت‌وگوی بیشتر، دایره این شباهت‌های نظری و فکری را گسترش دهند. تا به راه حلی یکسان برای مشکلات و مسأله خود برسند و در واقع بر سر راه حل‌ها توافق کنند. لذا توافق نیازمند هسته مرکزی از ایده‌های مشابه و گزاره‌های منطقی با هم است. برای وفاق باید سطح مختلفی از موارد مورد توافق را در نظر داشت. وفاق حتماً نیاز به توافق در سطح بسیار کلی و اساسی مانند اعتقاد به اسلام سیاسی و اصل نظام جمهوری اسلامی دارد. لذا در اینجا باید موری خودآگاهانه توسط تمام کارگزاران نظام حکمرانی صورت گیرد. یعنی به وضوح مرور شود که این قواعد کلان و کلی مورد تأیید همگان است و موضوع از ابهام احتمالی خارج شود. البته وقتی موضوع از کارگزاران نظام خارج می‌شود، شاید نیاز به تغییر برخی مفاهیم برای رسیدن به توافق‌های همه‌شمول‌تر و بزرگ‌تر باشد. برای مثال به مفهوم «ایران قوی» که رهبر معظم انقلاب از مهر ۱۳۸۱ به میان آورده‌اند، توجه کنید. این مفهوم فاغ از توافق در زمینه اصل اسلام سیاسی، به دنبال ایجاد وفاق اجتماعی کلان در میان آحاد جامعه است. چه جمهوری اسلامی را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند، همه می‌توانند بر قوی بودن ایران و نفع این قدرت (در تمامی عرصه‌ها) برای همه شهروندان این کشور توافق کنند. وقتی چنین توافقی در سطح کارگزاران و توافقی با حدود محدودتر در سطح تمام شهروندان ایجاد شد، تازه بحث بر سر مصادیق و راه‌حل‌های ایران قوی هم شروع خواهد شد. جمهوری نظام هم دقیقاً در همین نقطه خود را نمایان می‌سازد؛ چرا که مردم در نهایت تصمیم می‌گیرند از بین مصادیق و راه‌حل‌های مختلف برای رسیدن به ایران قوی، یکی را انتخاب کنند و دیگر موارد را کنار بگذارند. اسلامیت هم قبل از آن، کلیت صالح بودن گزینه‌های حاضر در رقابت انتخاباتی را تأیید کرده است. اینجایی که از مشکلات نظام انتخاباتی و غیرحزبی کشور نمایان می‌شود. وضعیتی که به جای انتخاب‌ازین رویکردها، انتخاب افراد عموم‌مایلون ایده مشخص در انتخابات رخ می‌دهد و حتی وضعیت وخیم‌تر هم می‌شود؛ چرا که انتخابات به جای انتخاب یک طرف، به عدم انتخاب و نه گفتن به طرف دیگر تبدیل می‌شود و اساساً جنبه سلبی پیدا می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۵

شروع عملیات ویژه مقاومت لبنان سرزمین‌های اشغالی را به هم ریخت

سرمهم موشک‌های تل آویو محفوظ است

درباره استاد بهمنی

تصویرگر لحظه عشق و غم و شادی

من زنده‌ام هنوز و غزل فکر می‌کنم

کدام مذاکره؟ کدام برجام؟

رمزگشایی کارشناسان از نخستین تحلیل عباس عراقچی در جایگاه وزیر خارجه